

روش تحصیل امنیت در فقه سیاسی اسلام و عمده‌ترین مکاتب امنیتی دیگر

□ میرزا حسین فاضلی *

چکیده

پرسشی که این مقاله رسالت پاسخ دهی آن را به عهده دارد، این است که فرایند تحصیل امنیت بر اساس آموزه‌های فقه سیاسی اسلام؛ چگونه قابل تحقق است، و در مقایسه با روش تحصیل امنیت، در مکاتب دیگر از چه برجستگی‌های برخوردار است. در فرایند تحصیل امنیت، مکاتب مختلف، رویکردهای ویژه خویش را دارند. و این مسئله در دوران، بین روش‌های استفاده از: «زور» و «اقتدار» تا «اقتناع» بر اساس رویکردهای مختلف، دور می‌زند. بر اساس رویکردهای دموکراسی مابانه نوعاً سخن از اقتناع گفته می‌شود. با این حال، در مکتب لیبرال؛ در این باب، مشی دوگانه دیده می‌شود؛ چه اینکه آنان از مؤلفه «اقتناع» در برابر لیبرالها و از مؤلفه «زور» علیه کشورهای غیر لیبرال سود می‌برند. در رویکرد شریعت گرایان، که چرخه روش تحصیل امنیت، بیشتر بر آستانه اقتدار دور می‌زند؛ تحصیل امنیت، در اسلام ابعادی زیادی دارد: همانند روش تحصیل امنیت سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی، و محیط زیست.

امنیت سیاسی؛ از طریق برقراری عدالت و رعایت عدل و انصاف؛ مشورت، اعطای آزادی‌های لازم در زمینه مورد نظر، امکان‌پذیر است. امنیت اجتماعی؛ از طریق امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت، تذکر، رعایت حریم خصوصی مردم. امنیت فرهنگی، در فقه سیاسی اسلام از طریق، هجرت، دعوت، امر به معروف و نهی از منکر، و پای بندی به آموزه‌های دینی، امنیت اقتصادی، از طریق برقراری عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، مبارزه، با عوامل مخل امنیت اقتصادی، امنیت زیست محیطی؛ با رعایت قواعد فقهیم. جود در همین زمینه، امکان‌پذیر است.

کلید واژه‌ها: روش تحصیل امنیت، فقه سیاسی، زور، اقتناع، اقتدار، مکاتب امنیتی.

مقدمه

واقع گرایان به دلیل اینکه در بحث ابعاد امنیت، مضیق می‌اندیشند و قدرت را در امور نظامی منحصر می‌دانند؛ روش تحصیل امنیت را نیز منحصر در «زور» و «قدرت» می‌دانند. آنان روش تحصیل امنیت را در این می‌دانند که توان نظامی خود را هر چه بیشتر باید تقویت کرد. از نظر واقع گرایان روابط بین الملل هر چند صحنه جنگ دایمی نیست، ولی احتمال وقوع جنگ و رقابت امنیتی بی‌رحمانه در آن وجود دارد. از نظر واقع گرایان صلح اصیل یعنی جهانی که در آن کشورها بدون رقابت بر سر قدرت باشد؛ امکان‌پذیر نیست.

واقع گرایان سه الگوی رفتاری را برای بازیگران ارایه می‌کنند:

یک: در نظام بین الملل، کشورها از یکدیگر می‌هراسند؛

دو: در نظام بین الملل، کشورها سعی دارند؛ تا بقای خود را تضمین نمایند. چون کشورهای دیگر تهدید بالقوه اند و هیچ قدرت بالاتر که در مواقع خطر، آنان را کمک کند وجود ندارد؛

سه: هدف کشورها در نظام بین الملل، به حد اکثر رساندن قدرت نسبی خویش، در مقایسه با سایر کشورهاست. دلیل آن خیلی ساده است: هر چه برتری نظامی کشوری بر کشورهای دیگر بیشتر باشد، در امنیت بیشتری به سر می‌برند. آنان اعتقاد دارند که همه کشورها دوست دارند «مهیبت‌ترین قدرت نظامی» را در اختیار داشته باشند؛ زیرا، این بهترین راه برای بقاست (ر.ک: عبدالله خانی ۱۳۸۹: ۶۲-۶۵).

در نظام لیبرالی سه رویکرد مهم امنیتی از درون ایدئولوژی لیبرالیسم قابل تشخیص است: امنیت نهادگرا، امنیت متکثر و صلح دموکراتیک. امنیت نهادگرا؛ بیشتر متأثر از آرا و نظریات وودرو ویلسون رییس جمهور سابق آمریکا است که با طراحی اصول چهارده گانه خود دستیابی به صلح و امنیت را صرفاً از طریق «نهادهای بین المللی» امکان‌پذیر می‌دانست. در مجموع رویکرد امنیت نهادگرا، امنیت در عرصه بین المللی را صرفاً به شکل، دسته جمعی امکان‌پذیر می‌داند. این رویکرد برای «مدیریت ناامنی» به جای تکیه بر عوامل بیرونی، بر عوامل درونی نامنی از جمله ادراکات، تمایلات و اطلاعات بازیگران تکیه دارد و از طریق اصلاح

وبازسازی این عوامل، در «مدیریت ناامنی» تلاش می‌کنند. از نظر آنان با وجود این؛ به کارگیری «زور» علیه بازیگران شورشگر نیز به عنوان امری ضروری واجتنباب ناپذیر در نظر گرفته شده است. (همان)

الف) روش تحصیل امنیت در رویکرد عمده ترین مکاتب امنیتی

در پاسخ این سؤال که امنیت با استفاده از چه روش‌های باید، به وجود بیاید؛ جواب‌های متعددی از سوی مکاتب مختلف ارائه گردیده است: برخی از مکاتب قایلند که برای تحصیل امنیت یک راه بیشتر وجود ندارد. و آن عبارت از بالابردن توان و «قدرت نظامی» است. برخی دیگر بر گزینه «اقتدار» تأکید دارند کما اینکه برخی دیگر بر «اقتناع» توجه جدی دارند. برایندهای دیدگاه رئالیستی عبارت است از اینکه: دولت‌ها، منشأ اصلی تهدید و مسئول اولیه برقراری امنیت محسوب می‌شوند و امنیت ملی به صورت محافظت از دولت در مقابل تهدیدهای خارجی تعریف نشده؛ در واقع، تأمین امنیت بین‌الملل به تأمین امنیت ملی دولت، منوط است؛ در چنین حالتی، دولت‌ها مسئولیت اولیه تأمین امنیت خود را بر عهده دارند. تهدیدها دارای ماهیت نظامی بوده، پاسخ نظامی را برمی‌تابد؛ با توجه به آنارشیستی بودن وضعیت نظام بین‌الملل، هر دولتی باید این مسئله را در نظر داشته باشد که در هر لحظه امکان تجاوز نظامی به حریم کشورش وجود دارد؛ از این رو، تن‌ها ابزار مقابله با تهاجم نظامی، داشتن قدرت نظامی مناسب است. از آنجاکه هر دولتی به صورت بالقوه هم می‌تواند تجاوزگر باشد و هم ممکن است مورد تجاوز دولت‌های دیگر قرارگیرد، بهترین روش تأمین و حفظ امنیت بین‌الملل، تحقق بازدارندگی‌های متقابل میان دولت‌ها و شکل‌گیری موازنه قدرت است. (ر.ک. مک کین لای و لیتل، ۱۳۸۰: ۵۷ تا ۱۳۷) این طرح به‌تازگی با توجه به گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، بیشتر اهمیت یافته است، زیرا این احتمال وجود دارد که چنین قابلیتی ابزار دست کسانی شود که در ساده‌ترین وضعیت‌ها به استفاده از آن تمایل دارند و از این رو، همگی را با خطر انهدام فراگیر مواجه می‌کنند. در این رهیافت؛ حفظ حاکمیت و استقلال کشور به مثابه بالاترین ارزش در نظر گرفته می‌شود؛ از منظر رئالیستی، دولت‌ها بازیگران اصلی

عرصه روابط بین‌الملل هستند و در رقابت آن‌ها باهمدیگر بقای آن‌ها، عالی‌ترین هدف است. (Gilpin, 1986:234-278; See, Morgenthau, 1993:8-146) از این جهت، حاکمیت و استقلال، بالاترین ارزش مورد توجه دولت‌هاست، در نظام بین‌الملل آنارشیک، هیچ قدرت فائده‌ای وجود ندارد که بقای دولت - ملت‌ها را تضمین کند و هرکشوری نیز باید تمام تلاش خود را در راستای حفظ حاکمیت و استقلال خود که بقایش با آن تعریف نشده، به کارگیرد. (عبدالعلی قوام، ۱۳۷۹: ۵۶)

اما لیبرالیسم؛ در باره روش تحصیل امنیت، بر دو مؤلفه «اقتناع» و «زور» تأکید دارد. آنان در این خصوص به جای تکیه بر تظاهرات ناامنی بر عوامل درونی آن؛ از جمله ادراک، تمایلات (اقتناع) و اطلاعات بازیگران تکیه دارد. با این حال از منظر آنان به کارگیری زور علیه بازیگران شورشگر توسط نیروی نظامی نهاد بین‌المللی - در اینجا سازمان ملل متحد - امری ضروری واجتناب‌ناپذیر است. (عبداله خانی، ۱۳۸۹: ۱۱۰) با در نظر داشت نظر کلی طرفداران این مکتب می‌توان استنتاج کرد که آنان از مؤلفه «اقتناع» در برابر لیبرال‌ها و از مؤلفه «زور» علیه کشورهای غیر لیبرال سود می‌برند. و این در حالی است که از منظر مکتب کپنهاک که بوزان عهده‌دار تبیین آن است دفاع و قدرت به عنوان دو عامل اصلی تأمین امنیت است که البته از نظر او این دو عامل خود پرورش دهنده ناامنی نیز هستند. (همان، ص ۱۳۶) در مطالعات امنیتی جهان سوم در خصوص تحصیل امنیت؛ بر ایده خوداتکایی به معنی عدم تکیه بر امکانات اقتصادی و نظامی سایر کشورها تأکید شده است از نظر مروجان خوداتکایی در سطح ملی در خدمت وحدت ملی و در برابر تهدیدات خارجی قرار دارد. (همان، ص ۱۵۱) طرفداران ایده خوداتکایی بر این نظر اند که چون کشورهای جهان سوم توان تولید سلاح‌های لازم را ندارند، باید در چها چوب این ایده خلاء مورد نظر را با احساس تعهد قوی ایدئولوژیک شهر وندان و سربازان جبران نمایند؛ برای این منظور راه اندازی ارتش مردمی را به عنوان، یک کالای قدرت در برابر توانمندی‌های تکنولوژیک دشمن باید مطرح کرد. از سوی دیگر بر ضرورت اجتناب‌ناپذیر خوداتکایی در زمینه‌های پایه همانند مواد غذایی استراتژیک تأکید دارند.

طرفداران ایده خوداتکایی اعتقاد دارند که این ایده با برخی عوامل قابل تقویت است

و مهم‌ترین عوامل تقویت‌کننده خوداتکایی عبارت‌اند از:

۱. تجربه استعمار و یا دیگر اشکال سلطه خارجی: چنین وضعیتی باعث تقویت حس استقلال‌خواهی و افزایش انگیزه به جهت تحقیر ملی می‌شود.
۲. موقعیت ژئوپلیتیک کشور: چنانچه اطراف کشور موردنظر را، کشورهای متخاصم تحت حمایت یک قدرت خارجی فراگرفته باشد ایده خوداتکایی بیشتر تقویت می‌شود.
۳. انسجام قومی: کشوری که از لحاظ قومی یکدستند برای پذیرش ایده خوداتکایی مستعدترند.

۴. غرور ملی و پیشینه تاریخی و باستانی: داشتن عظمت ملی و سابقه تاریخی امپراتوری خود نیز جبران‌کننده کالای قدرت است و انگیزه‌های کشور را برای ایده خوداتکایی تقویت می‌کند.

عطش استقلال سیاسی: کشورهای که انگیزه بالایی برای برخورداری از استقلال سیاسی دارند، از زمینه مساعدتری برای پیگیری ایده خوداتکایی برخوردارند. (رک: عبدالله خانی، ۱۳۸۹ صص ۱۵۱-۱۵۳) اما سازه‌انگاران روش تحصیل امنیت را در اقتناع می‌دانند که این اقتناع از نظر آنان با اعتماد متقابل به دست می‌آید. آنان با طرح اجتماع امنیتی که اولین بار آن را کارل دوویچ به کاربرد و بعد ها به شکل مبسوط‌تری توسط ایمانوئل ادلر و میشل بارنت تبیین شد. در طرح اجتماع امنیتی، جهان به منطقه جنگ و منطقه صلح تقسیم می‌گردد. در منطقه صلح که از نظر آنان خودی‌ها حاکم‌اند؛ همکاری‌ها پایدار بوده، اعتماد و وابستگی‌های گسترده متقابل حاکم است این‌رو، این منطقه از ثبات داخلی خوبی برخوردار است. در مقابل در منطقه جنگ که از نگاه آنان در این منطقه غیرخودی‌ها حاکم است منازعات، تهدیدات، جنگ و درگیری زیاد است و در نتیجه هیچ اعتمادی وجود ندارد. (رک: همان صص ۱۶۰-۱۶۴. و صص ۲۶۱-۲۶۳) اما مارکس به‌عنوان، یک فراساختارگرا اعتقاد دارد که آنچه موجب امنیت می‌شود پول است نه ترس یا خودخواهی‌های هابزی. (همان، ص ۱۸۷) فراساختارگرایان اعتقاد دارند به‌جای افزایش امنیت باید به دنبال حذف موضوعات امنیتی بود (امنیت‌زدایی از موضوعات امنیت و به‌بیان‌دیگر تیل دشمن به مخالف و مخالف به دوست). (همان، ص ۲۶۶)

درین میان در گفتمان امنیتی انتقادی سه هدف پیگیری می‌گردد:

یک: تلاش برای تضعیف گفتمان امنیتی سلطه جویانه که با یافتن تناقض‌های درون نظم موجود و نقد رژیم‌های امنیتی حاکم از راه مواجه نمودن آن‌ها با نتایج واقعی به دست می‌آید. مطالعات امنیتی انتقادی در چهارچوب این هدف نظریه‌ها و دیدگاه‌های را که به نظم حاکم مشروعیت می‌بخشد، به چالش می‌کشد.

دوم: دومین هدف مطالعات امنیتی انتقادی آموزش است، آن‌ها می‌خواهند فعالیت‌های آموزشی را به کسب حمایت از آندسته از جنبش‌های اجتماعی معطوف نمایند که تغییر اجتماعی آزادی خواهانه را رواج می‌دهند.

سوم: هدف سوم رهیافت انتقادی تغییر دادن هنجارهای تنظیم کننده و تشکیل دهنده نظام بین‌المللی است به نحوی که دولت‌ها از فکر کردن و عمل کردن بر اساس الگوهای واقع‌گرایی دست بردارند. در این چهارچوب هواداران این رهیافت در پی ساختن دنیایی هستند که در آن همه کشورها، جنگ را اقدامی غیرقابل قبول بدانند. از نظر آنان این امر ممکن نیست مگر با تغییر دادن بنیادین هویت دولت‌ها و یا به‌طور دقیق‌تر اندیشه کشورها در رابطه با خود و روابط با دیگران. آن‌ها ایجاد نظام بین‌الملل ماورای مدرنی را جستجو می‌کنند که نه با آنارشی و صفات خود خواهانه بلکه به کمک ارتباط متقابل و نیرومند هدایت شده و در آن مفاهیمی همانند حقوق و تعهدات جان‌نشین قدرت و زور گردیده باشد (رک: همان صص ۱۹۹-۲۰۱)

ب) روشن‌تحصیل امنیت براساس آموزه فقه سیاسی اسلام

روشن‌تحصیل امنیت در اسلام «ایمان + پرهیز از ظلم» است. الذین آمنوا ولم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن وهم مهتدون (انعام/ ۸۲) تحصیل امنیت، در اسلام ابعادی زیادی دارد: همانند روشن‌تحصیل امنیت سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی، محیط زیست و براین اساس:

امنیت سیاسی؛ از طریق برقراری عدالت و رعایت عدل و انصاف؛ مشورت، اعطای آزادی‌های لازم از طریق آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی مذهب و مراسم مذهبی و غیره امکان‌پذیر است.

امنیت اجتماعی؛ از طریق امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت، تذکر، رعایت حریم خصوصی مردم، امکان پذیر است. امنیت فرهنگی، در فقه سیاسی اسلام از طریق، هجرت، دعوت، امر به معروف و نهی از منکر، پای بندی به آموزه های دینی، امکان پذیر است. امنیت اقتصادی، از طریق برقراری عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، مبارزه، با عوامل مخل امنیت اقتصادی همانند، احتکار، کم فروشی، غش در معامله، کلاهبرداری و غیره امکان پذیر است. امنیت زیست محیطی؛ با رعایت قواعد فقهی، همانند: حرمت اضرار به خود، حرمت اضرار به غیر، حرمت افساد در زمین، وقاعده حفظ نظام و محیط زیست امکان پذیر است.

۱. اصول تأمین کننده امنیت در فقه سیاسی اسلام

در فقه سیاسی اسلام فقیهان از اصول وقواعدی بحث کرده اند که عام و فراگیر است. در بحث روش تحصیل امنیت می توان از این اصول بهره جست. پویایی فقه اسلامی را نیز در همین موارد می توان مشاهده کرد. اصولی همانند اصل دعوت، هجرت، تألیف قلوب، احسان، عدالت، بازدارندگی و جهاد.

۱ / ۱. هجرت

«تجب الهجرة عن بلاد الشرك على من يضعف عن اظهار شعار الاسلام من الاذان والصلوات والصوم وغيرها» (نجفی، ۱۳۷۴، ج ۲۱ ص ۳۵) کسی که توانایی اظهار شعایر اسلام را همانند: اذان و نمازها و روزه گرفتن و غیره را ندارد؛ واجب است از بلاد شرک مهاجرت نماید. برای وجوب به آیات ذیل استدلال کرده اند: «والذین هاجروا فی سبیل الله ثم قتلوا لیرزقنهم زرقا حسنا وان الله لهو خیر الرزقین» (حج / ۵۷) کسانی که در راه خدا هجرت می کنند و سپس کشته می شوند هر آینه آنان را روزی نیکو می دهیم هجرت و خداوند بهترین روزی دهنده است. و نیز به آیه شریفه ذیل استدلال می کنند «والذین هاجروا من بعد ما ظلموا لنبوتنهم فی الدنیا حسنه ولاجر الاخره اکبر کانو یعلمون» (نحل / ۴۱) و کسانی مهاجرت می کنند بعد از آنکه مورد ظلم واقع شده اند، در این دنیا جاگه خوبی به آنها می دهیم بدون تردید اجر آخرت بزرگتر است اگر می دانستند. اینکه می فرماید «اجراخروی» آن بزرگتر است، اشاره به بعد معنوی آن دارد که

رنج‌ها و مرارت‌های هجرت را باید تحمل کرد زیرا این کار مربوط می‌شود به امنیت باطنی و معنوی. آیه دیگری که بدان تمسک شده است آیه شریفه ذیل است «ومن یخرج من بینه مهاجرا الی الله ورسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله» (نساء/ ۱۰۰) کسی که از منزلش خارج می‌شود در حالی به سوی خدا و رسولش هجرت می‌کند سپس مرگ او را فرامی‌گیرد پاداش او بر خداست. و نیز استناد می‌کند به روایت نبوی که از پیامبر اکرم (ﷺ) این گونه روایت شده است «من فرّ بدینه من ارض الی ارض وان کان بشبر من الارض استوجب الجنة وکان رفیق ابیه ابراهیم ونبیه محمد (ﷺ) هر کس برای حفظ و نگهداری دین خود، از سرزمینی به سرزمین دیگر فرار کند ولو به اندازه یک وجب باشد، بهشت براو واجب می‌گردد. و چنین شخصی در قیامت همنشین حضرت ابراهیم خلیل، و پیامبر اکرم (ﷺ) است. اینکه در روایت دارد ولو به اندازه یک وجب، این نهایت اهتمام حضرت را نسبت به امور فرهنگی میرساند، بدین معنی که وقتی دین و آیین شما در خطر است باید واکنش مناسب داشته باشید ولو اگر کمترین امکان را داشته باشد؛ به همان اندازه باید، واکنش و موضع‌گیری مناسب داشته باشید. در کتاب جواهر الکلام هجرت را به چند دسته واجب، و مستحب و مباح تقسیم می‌کند. اگر شخص در شرایطی باشد که در صورتی که شخص اسلام می‌آورد و امکان اظهار شعایر اسلامی برای شخص فراهم نیست در این صورت هجرت برای چنین شخصی واجب است. ولی اگر در شرایطی قرار دارد، که از اقتدار و قدرتمندی برخوردار باشد، به دلیل اینکه اقوام و خویشاوندانی دارد، در این صورت هجرت برای چنین شخصی مستحب است زیرا باز هم در محیطی قرار دارد که امکان آن دارد که تحت تأثیر فرهنگ غیر دینی قرار بگیرد. اما در صورتی که عذری دارد همانند پیری و امثال آن در این صورت هجرت برای چنین شخصی مباح است (نجفی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، صص ۳۴-۳۶)

۲ / ۱. اصل دعوت

«وکیف کان فلا یدوون الکفار الحریون بالقتال مع عدم بلوغ الدعوه الی محاسن الاسلام وهی الشهادتان وما یتبعهما من الاصول الدین وامتناعهم عن ذالک.» با کفار حربی شروع به جنگ

نمی شود مگر بعد از دعوت آنان به محاسن اسلام و شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر عظیم الشأن اسلام. (نجفی، ۱۳۷۴: ج ۲۱ ص ۵۱) در ادامه روایتی را امیرالمؤمنین علیه السلام نیز نقل می کند که حضرت فرمود: «بعثنی رسول الله صلی الله علیه وآله الی الیمن فقال: لا تقاتلنّ احدا حتّی تدعوه وایم الله لان یهدی الله علی یدیک رجلا خیر لک ممّا طلعت علیه الشس وغربت ولک ولاءه یاعلی» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که مرا به سوی یمن فرستاد فرمود: قسم به خدا، اگر یک نفر را، خداوند به دست شما هدایت کند بهتر است از آنچه خورشید بر آن طلوع و غروب می کند. (وسایل، باب ۱۰ از ابواب جهاد)

۳ / ۱. احسان

احسان به دشمن: یکی از زیباترین اصول و قواعد دین مبین اسلام این است که حتی احسان به دشمن را نیز مورد تأکید قرار داده است. «واحسنوا ان الله یحب المحسنین» (بقره / ۱۹۵) امر به احسان در این آیه اطلاق دارد حتی شامل کفار نیز با شرایط ویژه می گردد. «لا ینهکم الله عن الذین لم یقاتلکم فی الدین ولم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم وتقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین.» (ممتحنه / ۸) در این آیه شریفه، می فرماید اگر دشمن دوشمنی را نداشته باشد بدین معنی که شما را از منازل تان اخراج نکرده باشند؛ و در دین نیز با شما مقاتله نکرده باشند؛ با وجود این دوشمن خداوند شما را نهدی نمی کند که نسبت به آنان احسان نماید. و عدالت را نیز در باره آنان رعایت نماید که خداوند عدالت ورزان را دوست دارد. بالاترین مظهر احسان به دشمن دعوت و فراخوانی او به هدایت و راه و رسم درست زندگی است که در آغاز جنگ توسط رزمندگان اسلام انجام می پذیرد. بی گمان احسان به دشمن منحصر به معنی ایجاد تسهیلات مادی نیست، هر نوع احترام و رعایت شئون انسانی نسبت به دشمن، بخشی از موارد احسان به دشمن محسوب می گردد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۴۸) که این دستور خداوند متعال است: «ان الله یأمر بالعدل والاحسان» (نحل / ۹۰) در حقیقت، احسان به دشمن شامل رعایت حقوق اسیران جنگی، حمایت از مجروحان، و منع از کشتار کودکان، زنان، سالخوردهگان و نظایر آنهاست. (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۴۸) بخشی از احسان فرصت دادن به

دشمن برای انتخاب صحیح است. چنانکه قرآن می‌فرماید: «وان احد من المشركين استجارك فاجره حتى يسمع كلام الله ثم ابلغه ما منه ذالك بانهم قوم لا يعلمون.» اگر دشمن از شما فرصت (امان) خواستند این فرصت را به آنان بدهید سپس آنان به مأمنشان برگردانید! (توبه/ ۶) وان جنحو للسلم فاجنح لها وتوكل على الله انه هو السميع العليم. «...فَإِنْ اعْتَرَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَ أَلْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا».

۴ / ۱. تألیف قلوب

فقه‌های اسلام از جمله موارد مصرف زکات را تألیف قلوب دانسته‌اند. بدین معنی که با شرایط ویژه می‌توان کفار را، از آن بهره‌مند ساخت و این کار، در تأمین امنیت بسیار مؤثر است. واژه سیاسی فقهی «مؤلفه قلوبهم» که در آیه مربوط به مصارف زکوه در قرآن مجید آمده است؛ دارای مفهوم سیاسی و نظامی و حاوی نوعی پشتیبانی امنیتی و نظامی است دولت اسلامی است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۵ ج ۶: ۸۶)

۵ / ۱. رعایت اصل عدالت

قرآن مجید می‌فرماید

ولا یجرمنکم شنأن قوم علی الاتعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی؛ دشمنی گروهی نباید شمارا در مسیر بی عدالتی قرار دهد. عدالت پیشه کنید که به راه تقوی نزدیک‌تر است. (مایده/ ۸)

لا ینهکم الله عن الذین لم یقاتلکم فی الدین ولم ینخرجکم من دیارکم ان تبروهم وتقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین (ممتحنه/ ۸) دشمن اگر شما را از منازل تان اخراج نکرده باشند؛ و در دین نیز با شما مقاتله نکرده باشند؛ (با وجود این دوش شرط) خداوند شما را نهی نمی‌کند که نسبت به آنان احسان نمایید. و عدالت را نیز در باره آنان رعایت نمایید که خداوند عدالت ورزان را دوست دارد.

۶ / ۱. اصل باز دارندگی

اصل باز دارندگی معنای وسیع و گسترده ای دارد و شامل آمادگی‌های دفاعی، تهیه تسلیحات

پیشرفته روز، آمادگی روحی و روانی برای دفاع از حریم اسلام و جامعه و قلمرو حاکمیت اسلام، آموزش تکنیک‌های رزمی و تسلیهاتی، جنگ‌های تمرینی و رزمایش‌های شبانه، و غیره می‌گردد که اینک به اجمال بدان می‌پردازیم.

الف: آمادگی دفاعی

فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْضُرُوهُمْ
وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ إِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ
عَفُورٌ رَّحِيمٌ (توبه/ ۵) (اما) وقتی ماه‌های حرام پایان گرفت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل
برسانید؛ و آنها را اسیر سازید؛ و محاصره کنید؛ و در هر کمین‌گاه، بر سر راه آنها بنشینید!
هرگاه توبه کنند، و نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند، آنها را رها سازید؛ زیرا خداوند
آمرزنده و مهربان است. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ
عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...» (الأنفال/ ۶۰)
هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین)
اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید!
و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد! و
هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) اتفاق کنید، بطور کامل به شما بازگردانده
می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد!

"جصاص" از مفسران اهل سنت، در احکام القرآن ذیل این آیه تأکید می‌نماید که منظور از
امر به اعداد قوه در این آیه شریفه، دستور به تهیه سلاح و ابزار جنگی مانند تیر کمان و مانند
آن است، که بایستی پیش از مواجهه با هر جنگی برای ترساندن دشمن، نزد مسلمانان فراهم
و آماده باشد و قوله تعالی و أعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخيل أمر الله تعالی المؤمنین
فی هذه الآیة بإعداد السلاح و الكراعق لوقت القتال ارهابا للعدو و التقدم فی ارتباط الخيل
استعدادا لقتال المشركين و قد روى فی القوة إنها الرمی» (جصاص، ۱۴۰۵: ۲۵۲/۴) چنانکه
ملاحظه می‌شود این‌گونه برداشت از این آیه، دقیقا مفهوم بازدارندگی با قدرت سخت و لزوم
مسلح شدن با همه جنگ افزارهای نظامی متداول در هر عصری را جهت بازدارندگی به روش
تهدید و تحذیر در هر زمانی به اثبات می‌رساند. به خصوص اینکه ایشان به عموم لفظ قوه نیز

تمسک جسته و بر اساس آن عموم امر به هر آن چیزی که موجب چیرگی و نیرومندی بر دشمن شود را به اطلاق لفظ و کمک برخی روایات در این خصوص استنباط نموده است. «بل عموم اللفظ الشامل لجميع ما يستعان به على العدو ومن سائر أنواع السلاح وآلات الحرب. وهذا يدل على أن جميع ما يقوى على العدو فهو مأمور باستعداده» (جصاص، ۱۴۰۵: ۴ / ۲۵۳) جرجانی " نیز ذیل آیه ۶۰ سوره انفال، در احکام القرآن تصریح، دارد: که «مراد از قوت، چیز است که قادر شوند به او برکاری مثل آلات حرب و غیر آن» (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴: ۱۲ / ۸۱) در حاشیه این سخن، محقق این اثر جناب "میرزا ولی الله اشراقی سرابی" با اشاره به نکته جالبی پیرامون این آیه توضیح میدهد که «از کلمه (فراز) «مَا اسْتَطَعْتُمْ، مِنْ قُوَّةٍ» استفاده می‌شود که تهیه وسائل جنگ از آلات حرب لازم است خصوصیت به وسائل دون و سائلی ندارد زیرا به مرور زمان وسائل جنگ تفاوت می‌کند و قوه بر جنگ با خصم در این زمان میسر نمی‌شود با وسائل نهفته پس در هر روز تحصیل قوه باید کرد بقدر استطاعت از این سبب لفظ «مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» فرمود تا اینکه شامل باشد در هر دوره به وسائل آن زمان چونکه اگر با اسم سلاح آن زمان تعبیر می‌فرمود هر آینه شامل نبود به وسایل امروزه.» (همان)

در تفسیر نمونه نیز ضمن اشاره به هدف بازدارندگی از این دستور، به این نکته مهم تصریح شده است که هدف از این آمادگی به سلاح‌های هر زمان به راه انداختن جنگ و زورگویی نیست بلکه از این فراز آیه که می‌فرماید: «تَرْهَبُونَ بِهٖ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» هدف این آمادگی دفاعی نیز مشخص شده است و آن اینکه هدف منطقی و انسانی این موضوع این است که «با این وسایل دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید.» (بازدارندگی با روش تهدید یا امتناع و تحذیر) به خصوص اینکه در این تفسیر با استناد به فراز «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» تأکید شده است که مفهوم این در هر زمانی قابلیت اجرا و تازگی داشته و مفهوم زنده‌ای داشته و دارد. «زیرا هر سلاح و قدرتی در آینده نیز پیدا شود در کلمه جامع "قوة" نهفته است چون جمله "ما استطعتم" عام و کلمه "قوة" که به صورت "نکره" آمده است عمومیت آن را تقویت کرده و هرگونه نیرویی را شامل می‌شود.» (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷ / ۲۲۴ - ۲۲۵)

در این تفسیر باز تصریح می‌شود که هدف از این آمادگی نظامی جنگ جویی و شرارت

نبوده تا با انواع سلاحهای مخرب و ویرانگر ملتها را درو کنند، یا آبادیها و زمینها را به ویرانی بکشاند، یا سرزمینها و اموال دیگران را تصاحب کنند بلکه هدف بر سر جای نشاندن زورگویان عالم و منصرف ساختن دشمن از توسل به شرارت و زورگویی است. اما وجه رو آوردن به تسلیحات نیز این است که غالب دشمنان گوششان بدهکار حرف حساب و منطق و اصول انسانی نیست، آنها چیزی جز منطق زور نمی فهمند! سپس اضافه می کند، علاوه بر این دشمنانی که می شناسید «دشمنان دیگری غیر از اینها نیز دارید که آنها را نمی شناسید ولی خدا می شناسد» و با افزایش آمادگی جنگی شما آنها نیز می ترسند و بر سر جای خود می نشینند. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷/ ۲۲۴-۲۲۶)

در ذیل همین آیه به سیره عملی پیامبر نیز اشاره می کنند که آن حضرت در عمل به این آیه همواره در صدد تدارک و تهیه بهترین و جدید ترین سلاح های روزگای خویش بوده اند. «سیره عملی پیامبر (ﷺ) و پیشوایان بزرگ اسلام نیز نشان می دهد که آنها بر این مقابله با دشمن از هیچ فرصتی غفلت نمی کردند، در تهیه سلاح و نفرات، تقویت روحیه سربازان، انتخاب محل اردوگاه، و... معروف است که در ایام جنگ "حنین" به پیامبر (ﷺ) خبر دادند که سلاح تازه و مؤثری در «یمن» اختراع شده است، پیامبر (ﷺ) فوراً کسانی را به یمن فرستاد تا آن سلاح را برای ارتش اسلام تهیه کنند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷/ ۲۲۳-۲۲۴)

بنابراین، یکی از روش های تحصیل امنیت در اسلام، روش بازدارندگی است

ب) جهاد

بدون شک جهاد یک روش بسیار مؤثر در باز دازندگی است. طبیعت طغیانگر بشر بگونه است که می خواهد همه چیز را آن خود نماید؛ چنانکه قرآن مجید می فرماید: «کلا ان الانسان لیطغی ان رأیه استغنی» نه چنین است؛ بدرستی انسان طغیانگر است، همین که احساس کند او بی نیاز است. (علق/ ۷) اشاره قرآن مجید به این نکته است که طبیعت انسان از چنین ویژگی برخوردار است. بنابراین باید سازوکاری وجود داشته باشد که در برخی شرایط اگر دشمن طغیان گری را انتخاب کرد، باید کسانی باشد که در مقابل این طغیانگری ها مقاومت نماید، سازوکار

قرآن مجید در اینجا جهاد و شهادت است.

برای رسیدن به یک امنیت فراگیر و همه جانبه در اسلام از چهار نوع جهاد آسم برده شده است. به میزان کاستی و نادیده گرفتن هریک از انواع جهاد امنیت فرد و جامعه نیز دچار کاستی امنیتی در همان بعد خواهد شد.

یک: جهاد اصغر (امنیت نظامی)

دو: جهاد اکبر (امنیت فردی)

سه: جهاد کبیر (امنیت فرهنگی)

چهار: جهاد افضل (امنیت سیاسی)

الف) جهاد اصغر (امنیت نظامی): از آنجاکه جهاد امر مقدس و در راه خداوند است؛ خونریزی و ویرانگری هدف نیست و لذا باید در آن به حداقل و به مقدار ضرورت اکتفا شود و از تخریب و اتلاف اموال و منهدم کردن ابنیه باید اجتناب کرد مگر اینکه ضرورت اقتضا داشته باشد. و دشمن از این وسایل به عنوان ابزار دفاعی استفاده نماید. (رک: نجفی ۱۳۸۵، ج ۲۱ ک ۶۵) قرآن مجید می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مانده: ۳۲). و نیز ایه شریفه «إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: ۲۰۵) که طغیان‌گری را محکوم نموده است. و با در نظر داشت آیه شریفه «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (انعام: ۱۵۱). و اطلاق: «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (بقره: ۱۹۴) که مقابله به مثل و جنبه باز دارندگی را برای هرکسی مشروع دانسته است. و نیز روایاتی که از ائمه^ع به خصوص از رسول خدا (ﷺ) و علی (علیه السلام) در مورد نهی جنگجویان مسلمان از کشتن افراد غیر نظامی، تخریب خانه‌ها، مزارع و کشتن حیوانات و... رسیده است. اطلاق فرمایش امیرالمؤمنین (علیه السلام) «واشعر قلب الرحمة للرعية... ولا تكون عليهم سبعا ضارباً تغتتم اكلهم فانهم صنفان، اما اخ لك في الدين او نظير لك في الخلق» (سیدرضی، ۱۴۱۵: ۵۳). نیز اطلاق و عموم بسیاری از روایات دیگر بر احترام جان، مآل انسانها، بلکه احترام جان هر صاحب روحی حتی روح نباتی در حیوانات و گیاهان دلالت دارد. بر اساس عموم و اطلاق این آیات و روایات نتیجه می‌گیریم اصل اولی

حرمت تجاوز و تعدی و کشتن و اذیت و آزار دیگران حتی غیر مسلمان است. از این اطلاق و عموم، موارد خاص با تخصیص و تقیید خارج شده است. اگر در موردی شك داشته باشیم که با تخصیص و یا تقیید خارج شده، مثلاً شك کنیم استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در جنگ جایز است یا نه، مرجع عموم و اطلاق ادله اولیه است توجه به بعضی از اصول جنگی ذیل که در منابع دینی آمده است، نیز همین مطلب را بیان می‌کند:

ج رعایت اصول انسانی؛ در جنگ

۱. منع اقدام به جنگ به قصد انتقام جویی و خونریزی؛ ۲. منع از آغاز به جنگ بدون دعوت به حق و اتمام حجت؛ ۳. منع از مثله کردن کشته‌های دشمن؛ ۴. منع از نقض عهد و پیمانهای جنگی؛ ۵. منع از کندن و سوزاندن درختان و مزارع؛ ۶. منع از اسارت پیش از اتمام حجت و دعوت به حق؛ ۷. منع کشتن سربازان دشمن، با امکان اسیر کردن آنان؛ ۸. منع از کشتن و یا پی کردن حیوانات؛ ۹. منع از جنگ پس از قبول اسلام؛ ۱۰. منع جنگ با اهل کتاب در حالتی که آمادگی انعقاد قرارداد ذمه را دارند؛ ۱۱. منع ادله جنگ، با پیشنهاد صلح از طرف دشمن؛ ۱۲. منع از تخریب ساختمان‌ها و ویرانگری آبادیها؛ ۱۳. منع بستن آب بر روی دشمن؛ ۱۴. منع کشتن سربازان دشمن که در حال فرار هستند؛ ۱۵. منع کشتن غیر نظامیان از قبیل کودکان، زنان، پیران، رهبانان، پرستاران، مجروحان، بیماران، پیغام رسانان و همانند آنها؛ ۱۶. نهی از کشتن افرادی از سربازان که با اجبار در جنگ شرکت کرده‌اند؛ ۱۷. نهی از کشتن کسانی که در جنگ اجیر شده‌اند؛ ۱۸. نهی از شرکت دادن اطفال در جنگ؛ ۱۹. منع از جنگ‌های کور و بدون نشانه؛ ۲۰. منع از به کار گیری افراد ناتوان در جنگ.

هریک از این اصول فوق که برگرفته از آیات و روایات و سیره عملی رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام در میدان جنگ است، می‌تواند در جهت تبیین مبانی فقهی دکتترین جنگ اسلام، باشد. اصولاً بر اساس مبانی دینی نمی‌توان برای رسیدن به هدف از هر وسیله و ابزار استفاده کرد، بلکه شیوه و ابزارهای مورد استفاده اسلام، نیز در راستای ارزش‌های متعالی اسلام تجویز می‌گردد، بنابراین برخی رفتار و اعمال در جنگ ممنوع گردیده و برای بازدارندگی نمی‌تواند

تجویز کرد، بلکه اسلام قواعد را وضع نموده که باید آن را رعایت کرد، پیامبر اسلام محدودیت‌های جنگی را برای اسامه بیان می‌کند: «لا تخونوا و لا تغدروا و لا تغلّوا و لا تمثلوا و لا تقتلوا طفلا و لا شیخا کبیرا و لا امرأة، و لا تعقروا نخلا و تحرقوه، و لا تقطعوا شجرة مثمرة، و لا تذبحوا شاة و لا بقرة و لا بعیرا» (ابن اثیر جزری، ۱۳۸۵: ۳۳۵). عن ابی عبداللہ قال: إن النبی (ﷺ) کان اذا بعث امیرا له علی سربہ امره بتقوی اللہ عزوجل فی خاصه نفسه ثم فی اصحابه عامه ثم یقول: اغز بسم اللہ و فی سبیل اللہ، قاتلوا من کفر باللہ، لا تغدروا و لا تغلوا و لا تمثلوا و لا تقتلوا ولیدا و لا متبتلا فی شاهق، و لا تحرقوا النخل، و لا تغرقوه بالماء، و لا تقطعوا شجره مثمره، و لا تحرقوا زراعا. (وسایل الشیعه، ج ۱۱، حدیث ۳، ص ۴۳ و ۴۴). از مجموع آیات و روایات نتیجه می‌گیریم که جنگ در اسلام، جنبه ثانوی و بیشتر جنبه بازدارندگی دارد. و از این رو، آنجا که امنیت جامعه اسلامی به خطر می‌افتد؛ جهاد، بر تمامی کسانی قدرت بر جهاد را دارد، واجب می‌گردد. ولی تأکید اسلام در باره جهاد، ونحوه انجام این فریضه الهی، این است که باید به اندازه ضرورت بدان اکتفا بشود. و باید در جنگ نیز قوانین و قواعد جنگی پیش گفته و معیارها را رعایت کرد. (رک: نجفی - جواهر الکلام - ۱۳۷۴، ج ۲۱: صص ۶۶-۱۴۶)

نتیجه

این مقاله رسالت خود را در پاسخ دهی به این سؤال اساسی می‌داند که فرایند تحصیل امنیت بر اسای آموزه‌های فقه سیاسی اسلام؛ چگونه قابل تحقق است، و اساسا در مقایسه با مکاتب عمده امنیتی دیگر از چه برجستگی‌های برخوردار است. در توضیح و تبیین پرسش پیش گفته، ابتدا فرایند روش تحصیل امنیت، به طور اجمال به از منظر عمده ترین مکاتب امنیتی جهان به بحث گرفته شد و رویکردهای هر کدام تشریح گردید که بر اساس رویکردهای هر کدام از مکاتب؛ این مسئله در دوران، بین روش‌های استفاده از: «زور» و «اقتدار» تا «اقناع» دور می‌زند. و توضیح داده شد که بر اساس رویکردهای دموکراسی مابانه نوعاً سخن از اقناع گفته می‌شود. با این حال، در مکتب لیبرال؛ در این موضوع مشی و رفتار دوگانه مشاهده می‌شود؛

چه اینکه آنان از مؤلفه «اقتناع» در برابر کشورهای لیبرال واز مؤلفه «زور» علیه کشورهای به عقیده آنان غیرلیبرال سودمی برند. و اما در رویکرد قدرت مداران، وکسانی هدف اصلی آنان در اختیار داشتن قدرت است، درین بحث، رویکرد «زورمدارانه» نیز تجویز شده است. و سرانجام توضیح داده شد در رویکرد شریعت گرایان، که چرخه روش تحصیل امنیت، عمدتاً بر آستانه اقتدار دورمی زند.

درین مقاله تبیین گردید که تحصیل امنیت، در اسلام، ابعادی زیادی دارد: چه اینکه از روش تحصیل امنیت در بعد سیاسی و نظامی، گرفته تا ابعاد فرهنگی، اقتصادی، و محیط زیست را شامل می گردد. و گفته شد که امنیت سیاسی؛ از طریق برقراری عدالت و رعایت اصول همانند عدل و انصاف؛ مشورت، اعطای آزادی های لازم از طریق آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی مذهب و مراسم مذهبی و غیره امکان پذیر است.

امنیت اجتماعی؛ از طریق امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت، تذکر، رعایت حریم خصوصی مردم، امکان پذیر است. امنیت فرهنگی، در فقه سیاسی اسلام از طریق، هجرت، دعوت، امر به معروف و نهی از منکر، پای بندی به آموزه های دینی، امکان پذیر است. امنیت اقتصادی، از طریق برقراری عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، مبارزه، با عوامل مخل امنیت اقتصادی همانند، احتکار، کم فروشی، غش در معامله، کلاهبرداری و غیره امکان پذیر است. امنیت زیست محیطی؛ با رعایت قواعد فقهی، همانند: حرمت اضرار به خود، حرمت اضرار به غیر، حرمت افساد در زمین، وقاعده حفظ نظام و محیط زیست امکان پذیر است.

کتابنامه

- ابن ابی‌الحدید، عزالدین ابی‌حامد عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت، داراحیاء الکتب العربیه، ۱۹۵۹.
- ابن اثیر، عزالدین، النهایة فی غریب الحدیث، تحقیق: طاهر احمد الزادی، محمود محمد الطنحی، قاهره، دار الکتب المصری، بی تا.
- _____ الکامل فی التاریخ، بیروت دارالمعارف، ۱۳۸۵ق.
- ابن ادیس حلی، السرایر، قم، مؤسسه النشر الاسلامی لجامعه المدرسین، الطبعة الثنیة، ۱۴۱۰ق.
- ابن العطیة، ابی محمد، عبدالحق المحرر، الوجیز فی تفسیرالکتاب العزیز، تحقیق: عبدالله بن ابراهیم انصاری و عبدالعال سید ابراهیم، دوحه، ۱۴۰۲.
- ابن تیمیة احمد؛ تقی الدین الحرانی، مجموع الفتاوی؛ بیروت دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۳م.
- ابن خلدون، عبد الرحمن، مقدمه، ترجمه‌ی محمد پروین گنابادی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۳۶.
- ابن درویش، عبدالرحمن بن محمد، اسنی المطالب، فی احادیث مختلفه المراتب، لبنان، بیرت، دارالفکر، ۱۹۹۱م.
- ابن عاشور محمد الطاهر، مقاصد الشریعه الاسلامیه، الشركه التونسیه ۱۹۷۶م.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ابن مکی عاملی، محمد (شهید اول) القواعد والفوائد، بی جا، بی تا.
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۳۶۳ق.
- ابن نجیم مصری، حنفی، البحر الرایق کنز الدقایق، تحقیق زکریا عمیرات، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
- ابن هشام، السیره النبویه، مکتبه قاهره، محمدعلی صبیح، ۱۹۶۳.
- _____ السیره النبویه، هاشم رسولی محلاتی، تهران، کتابفروشی اسلامیه، بی تا.
- _____ سیرت رسول‌الله (ﷺ)، ترجمه: رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی، (قاضی ابر قوه) تهران نشر مرکز، ۱۳۸۳.

ابوالحسن علی بن محمد البغدادی الماوردی، الاحکام السلطانیة، قاهره، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۶ق.

ابوالسعادات مجد الدین ابن اثیر جزری، النهایه فی غریب الحدیث والاثر، قم، اسماعیلیان، بی تا.
ابو علی فضل ابن الحسن الطبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن دار احیا التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۹ق.

ابوالصلاح، حلبی، الکافی فی الفقه، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین ۱۴۱۱ق.
ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن الطوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، با تصحیح محمد باقر بهبودی، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۳۹۳.

_____ النهایه فی مجرد الفقه و الفتوی، قم انتشارات قدس، {بی تا}.

_____ النهایه فی مجرد الفقه و الفتوی، قم انتشارات قدس، {بی تا}.

ابوجعفر محمد بن جریر الطبری، تاریخ المرسل و الملوک (تاریخ الطبری)، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۷۹.

ابونصر فارابی، اندیشه های اهل مدینه فاضله، ترجمه تحشیه سید جعفر سجادی.

احمدی، شهاب الدین نوری، نهاییه الارب، دکتر محمود مهدوی دامغانی، تهران امیر کبیر، ۱۳۷۷.

اسلام و حقوق بین الملل عمومی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، تهران، تهران، سمت ۱۳۷۷.

اطلاعات سیاسی و اقتصادی ش ۱۳۳-۱۷۴ بهمن واسفند ۱۳۸۰.

افتخاری، اصغر، امنیت ملی: رهیافت ها و آثار، فصلنامه مطالعات راهبردی. (پیش شماره)

_____ امنیت، تهران دانشگاه امام صادق ۱۳۹۱.

آمدی، عبدالواحد تمیمی شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، با مقدمه و تصحیح میرجلال الدین محدث، چاپ ششم.

ایهاب عبدالمطلب الموسوعه الجنائیه؛ فی شرح قانون العقوبات، مصر، المركز القومي لاصدارات القانونیه، ۲۰۱۰م.

باقر شریف القرشی، نظام حکومتی و اداری در اسلام، ترجمه عباسعلی سلطانی، مشهد مقدس، بنیاد پژوهشهای اسلامی، استان قدس رضوی، چاپ دوم ۱۳۷۵.

برقی، ابو جعفر، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن (للبرقی) دار الکتب الإسلامیه، قم - دوم، ۱۳۷۱.

بوزان، باری، مردم دولت ها وهراس، ترجمه پژوهشگرده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشگرده

- مطالعات راهبردی، چاپ سوم، ۱۳۹۰.
- تهامی، سید مجتبی، امنیت ملی، داکترین سیاست‌های دفاعی و امنیتی، تهران نشر آجا، ۱۳۸۴.
- جارالله محمود بن عمر، زمخشری، تفسیرالکشاف عن حقایق التنزیل، بیروت دارالکتاب العربی، بی تا.
- جمال الدین محمد عطیه، نحو تفعيل مقاصد الشریعه، الولايات المتحده الامریکیه، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، هردن - فرجینیا ۲۰۰۸ الطبه الثانیه.
- جمز دوئرتی و رابرت فالتر گراف؛ نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل؛ علیرضا طیب و وحید بزرگی تهران، قومس، ۱۳۷۲.
- جهان بزرگی، احمد، امنیت در نظام سیاسی اسلام، اصول و مؤلفه ها؛ تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
- جوهری، اسماعیل ابن حمّاد الصحاح تاج اللغه العربیه، تهران، گویا، ۱۳۶۸.
- حائری یزدی، مهدی، حکمت و حکومت، بی جا، انتشارات شادی، ۱۹۹۵.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تحقیق: ربانی شیرازی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ چهارم، ۱۳۹۱.
- حسینی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بی جا، دار الهدایه، ۱۳۸۵.
- حکیم، محمد تقی، اصول العامه للفقّه المقارن، بیروت، دارالاندلس، ۱۹۶۳.
- حکیمی محمد رضا، الحیاة، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷ ج ۶، ص ۳۵۹.
- حلی (علامه) حسن بن یوسف، کشف المراد، بیروت مؤسسه الاعلمی، ۱۹۷۹.
- _____ تذکره الفقهاء (در یک جلد)، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم ۱۳۸.
- حلی، (محقق) شرایع الاسلام فی مسایل الحلال والحرام، قم انتشارات استقلال چاپ دوم، ۱۴۰۹.
- حمد صادق العفیفی، الاسلام والعلاقات الدولیه، بیروت دار الرند العربی چاپ دوم، ۱۹۸۶ م.
- حمزه بن عبدا سلار دیلیمی، المراسم العلویه، لبنان: بیروت، دارالحق، ۱۹۹۴.
- خویی، سید ابوالقاسم، الاجتهاد والتقلید، قم، چاپ سوم، دار الهدی ۱۴۱۰ ق.
- _____ مبانی تکمله المنهاج، نجف الاشرف، مطبعه الاداب (بی تا)
- دیلیمی، حمزه بن عبدالله، سلار، المراسم العلویه، لبنان: بیروت، دارالحق، ۱۹۹۴.
- رشیدرضا؛ محمد، تفسیر المنار، انتشارات دارالمعرفه، بیروت، بی تا، چاپ دوم.

- رفعت، سید، احمد قرآن و سیف، قاهره مکتبه مدبولی، اغسطس، الطبعة الثانية، ۲۰۰۲.
- السید سابق، محمد، فقه السنه، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۷۹.
- شفایی، امان الله، تحلیل گفتمانی اسلام‌های سیاسی در افغانستان، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۹۶..
- شیرازی، مکارم، تفسیر نمونه، تهران دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶، چاپ سی و دوم.
- شیهان، مایکل، امنیت بین‌الملل، ترجمه سید جلال الدین دهقانی فیروزآبادی، تهران مطالعات راهبردی، ۱۳۸۸.
- صدر، سید محمدباقر، الاسلام یقود الحیاة، قم، مرکز الابحاث والدراسات التخصصیه للشهیدصدر، ۱۳۷۹.
- عبدالله خانی، علی، نظریه‌های امنیت، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
- عظیمی شوشتری، عباسعلی، حقوق بین‌الملل اسلام، تهران داد گستر، ۱۳۸۶.
- عظیمی محمد نبی اردو و سیاست در سه دهه اخیر افغانستان، کابل، میوند، ۱۳۷۸.
- علاء الدین کاسانی، بدایع الصنایع، فی ترتیب الشرایع، دار الکتب العربی، بیروت ۱۹۸۲.
- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی؛ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷).
- _____ قواعد فقه، بخش حقوق بین‌الملل، تهران، سمت، ۱۳۹۲.
- غریب‌زندی، داود، درآمدی بر سیاست گذاری امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰.
- غزالی محمد، المستصفی من علم الاصول، دارالذخایر ۱۳۶۸.
- فلسفه سیاست، تهیه و تدوین مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی، ۱۳۷۷.
- فیرحی، داود، فقه و سیاست در ایران معاصر، تهران، نشر نی، ۱۳۹۰.
- القرشی، باقر شریف، نظام حکومتی و اداری در اسلام، ترجمه عباسعلی سلطانی، مشهد مقدس، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، استان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- القرضاوی، یوسف، مدخل لدراسة الشریعة الاسلامیه، القاهرة مکتبه وهبه ۱۹۹۰ م.
- قرطبی، انصاری، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.

قمی ابوالقاسم، جامع الشتات، تصحیح مرتضی رضوی، نهران، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۵.
کارولین، توماس، حکمت جهانی، توسعه، و امنیت انسانی، مرتضی بحرانی، تهران، پژوهشکده
مطالعات راهبردی، ۱۳۷۲.

کاسانی، علاء الدین، بدایع الصنائع، فی ترتیب الشرائع، دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۹۸۲.
کرکی، محقق، جامع المقاصد، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۷ ق.
لک زایی، نجف، جلسه درس فقه سیاست خارجی، ۱۳۹۲، جلسه ۸.
_____ فقه سیاست خارجی، ۱۳۹۲، جلسه ۶.

_____ سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی ره تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ
و اندیشه اسلامی، چاپ هفتم.

_____ مطالعات فقه امنیتی، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره دوم، بهار، ۱۳۹۳.

_____ مطالعات فقهی امنیت، پژوهشنامه علوم سیاسی؛ سال نهم، شماره دوم بهار ۱۳۹۳.

_____ مطالعات فقهی امنیت، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره دوم، بهار، ۱۳۹۳.

مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت دار احیاء التراث العربی چاپ سوم، ۱۴۰۳.

محمودی، سید علی، عدالت و آزادی، تهران، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر، ۱۳۷۶.

معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۵.

مقصود فراست خواه؛ دین و امنیت، مقالات ارایه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، تهران

معاونت امنیت و انتظامی وزارت کشور، ۱۳۸۶.

الموسوعه العربیه العالمیه، مؤسسه أعمال الموسوعه للنشر والتوزیع، الرياض، ۱۴۱۹ ق.

میر چالیده، فرهنگ و دین، ترجمه، گروه مترجمان، تهران، طرح نو ۱۳۷۴.

میر عنایت الله سادات، مقاله تجدد خواهی ص ۲۷ در سایت آزادی.

نجف لک زایی، جلسه پیش اجلاس کرسی نظریه پردازی امنیت متعالیه، ۷/ ۱۰/ ۹۶.

نجفی، کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ط

- الحدیث) انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۲ هـ.

نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، چاپ پنجم.

نجم الدین، ابوالقاسم (محقق حلی) شرایع الاسلام، تهران، استقلال، ۱۳۷۷.

وت جونز، خداوندان اندیشه‌های سیاسی، ترجمه علی رامین، تهران، مؤسسه انتشاراتی امیر

کبیر، ۱۳۷۰ (چاپ دوم)

ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه ضیاءالدین علایی طباطبایی، تهران، علمی فرهنگی، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۰.

الیاده، میرچا، فرهنگ و دین، ترجمه، بهاء الدین خرمشاهی تهران، طرح نو، ۱۳۷۴.
یزدان فام، محمود، دولت‌های شکننده و امنیت انسانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰.

Aaron L., Friedberg, The Changing Relationship Between Economics and national Security, in Henry Bienen (ed.), power, Economics and Security, Boulder CO: Westview Press, 1992.

Alfred Thayer Mahan, The Influecne of Sea Power on History, 1660. 1383... , Gilpin, 1986:234-278; See, Morgenthau, 1993.

Ian Bllany Towards atheory of intenaatioal security political Studies 29

Janet Kelly, International Monetary Systems and National Security, Knorr and Trager, 188. 189. Economic and National Security

